خراسان روزنامه صبح ایران
سه‌شنبه ۲ آذر ۱۳۹۵ . ۲۲ صفر ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۴۰۷

هدف از دستور العمل مراکز مشاوره کاهش طلاق و دعاوی خانوادگی است

معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه گفت: دستور العمل مراکز مشاوره با هدف کاهش طلاق توافقی و دعاوی خانواده ابلاغ می‌شود. محمدباقر الفت در گفت‌وگو با خبرنگار قضایی ایرنا با بیان اینکه این دستور العمل در حال نهایی شدن است و اقدامات خوبی نیز در این زمینه انجام شده است، افزود: باید با احتیاط لازم با این دستور العمل مواجه شد تا مراکز مشاوره به مراکز آسیب رسان به محیط خانواده تبدیل نشوند.

دانشنامه حقوقی

هیچ پدری نمی‌تواند فرزندش را از ارث محروم کند

آیا می‌توان در وصیت، فرد یا افرادی از ورثه را به طور کامل از ارث محروم کرد؟ کارشناسان و وکیل آنلاین به این پرسش پاسخ داده‌اند. به گزارش خبرگزاری میزان، پرسش مخاطب و وکیل آنلاین درباره محروم کردن یکی از ورثه از ارث این است:

آیا وصیت پدر به صورت دست‌نوشته و با امضای تنها یک شاهد از اعضای خانواده مبنی بر محرومیت ۲ تن از وراث پسر از ارث، ارزش قانونی دارد و می‌توان در دادگاه به آن استناد کرد یا خیر؟

■ **پاسخ کارشناسان**

مسائل مربوط به ارث مربوط به نظم عمومی جامعه است که هر نوع توافق یا مقاومت اشخاص در برابر اجرای آن بلااثر خواهد بود. قانونگذار در ماده ۸۳۷ قانون مدنی به صراحت بیان کرده است که اگر کسی به موجب وصیت، یک یا چند نفر از ورثه خود را از ارث محروم کند، وصیت مزبور نافذ نیست.

از سوی دیگر، مطابق ماده ۸۴۳، وصیت به زیاده بر ثلث ترکه نافذ نیست، مگر به اجازه وراث و اگر برخی از ورثه اجازه ندهند فقط نسبت به سهم آنها نافذ است. بنابراین هرگاه پدر بیان کند که فلان فرزندم از ارث محروم است، چنین وصیتی به حکم قانون باطل و فاقد اثر قانونی خواهد بود.

به عبارتی دیگر، چنانچه وصیت کننده وارثی را مستقیماً از ارث محروم کند، خواه نسبت به یک سوم اموال یا تمام آن، وصیت مزبور باطل می‌باشد، اما چنانچه همان پدر بیان کند یک سوم اموالم به فلان پسرم برسد، چنین وصیتی صحیح خواهد بود، هر چند که نتیجه آن در عمل محروم شدن سایر وراث از آن بخش می‌باشد.

به عبارتی دیگر، اینکه پدر تصمیم گرفته است یک سوم اموالش به فلان فرزندش برسد، به معنای محروم کردن باقی وراث است، اما نمی‌توان به واسطه قبح ممنوع کردن سایر وراث، چنین وصیتی را صحیح ندانست؛ چه اینکه به موجب قانون، موصی له وصیت می‌تواند (کسی که وصیت به نفع او می‌شود) هر شخص و لو یکی از وراث وصیت کننده باشد.

اما در فرض اخیر و با احراز صحت و اصالت وصیت مزبور، وصیت کننده صرفاً تا ثلث مجاز است و وصیت نسبت به مازاد بر آن در صورتی صحیح خواهد بود که ورائی که در عمل از ماترک محروم شده‌اند، این عمل را تنفیذ کنند. البته باید توجه داشت که هر زمان امکان رجوع موصی (وصیت کننده) از وصیت مزبور وجود خواهد داشت.

آنچه صاحبان حِرَف و مشاغل آزاد باید بدانند

چند نکته حقوقی برای برقراری «بیمه خویش فرما»

جواد نوائیان رودسری
info@khorasannews.com

بیمه، یک نیاز همگانی است. همه ما، هنگام بیماری یا سالخوردگی، به حمایت احتیاج داریم. امید به این حمایت است که می‌تواند اسباب آرامش خاطر ما را در مراحل حساس زندگی، فراهم کند؛ این که خیالمان از بابت تأمین هزینه‌های خانواده‌مان، پس از مرگ، راحت باشد؛ این که بدانیم هنگامی که بیماریم و نمی‌توانیم کار کنیم، به قول معروف، «آب باریکه‌ای» برای گذران زندگی هست و لازم نیست دستمان را جلوی کسی دراز کنیم و برای تأمین مخارج زندگی یا درمان بیماری، محتاج کسی باشیم. اهمیت این موضوع باعث شده است که در تمام کشورهای دنیا، مسئله بیمه تأمین اجتماعی به یک مطالبه عمومی تبدیل شود. به همین دلیل است که مطابق قوانین، تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی قرار گرفتن، در بسیاری از جوامع و برای بیشتر مردم، اجباری است. با این حال، اهتمام و نظارت بر گسترش و اجرای بیمه تأمین اجتماعی اجباری، تنها رسالت دولت‌ها نیست؛ تعمیم این حمایت بر تمام بخش‌های جامعه، اعم از مشمولان و غیر مشمولان بیمه‌های اجباری، هدفی است که باید توسط مسئولان امر جدی گرفته شود. بنابراین، لازم است در کنار تقویت جایگاه بیمه‌های اجباری، زمینه لازم برای گسترش بیمه‌های اختیاری نیز، فراهم شود. با گسترش و تنوع بیمه‌های اختیاری، می‌توان تعداد بیشتری از افراد جامعه را که به دلایل مختلف نمی‌توانند از مزایای بیمه‌های اجباری برخوردار شوند، تحت پوشش و مورد حمایت قرار داد.

■ **بیمه صاحبان حِرَف و مشاغل آزاد**

خوشبختانه در قانون تأمین اجتماعی ایران، موضوع بیمه‌های اختیاری، در کنار بیمه‌های اجباری، پیش بینی شده و قانونگذار با در نظر گرفتن شرایط مختلف افراد مشمول بیمه‌های اختیاری، زمینه را برای تعمیم هر چه بیشتر این نوع از بیمه‌ها، فراهم کرده است. مطابق بند ۲ ماده ۴ قانون تأمین اجتماعی، «سازمان تأمین اجتماعی مکلف است با استفاده از مقررات عام قانون تأمین اجتماعی، صاحبان حِرَف [حرفه‌ها] و مشاغل آزاد را به صورت اختیاری در برابر تمام یا قسمتی از مزایای قانون تأمین اجتماعی، بیمه نماید. چگونگی انجام بیمه و نرخ حق بیمه و همچنین، میزان مزایای مربوطه، به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب هیئت دولت خواهد رسید.» طبق تعریف ارائه شده در پایگاه اینترنتی سازمان تأمین اجتماعی، «صاحبان حِرَف و مشاغل آزاد، به افرادی اطلاق می‌شود که برای انجام حرفه و شغل مورد نظر، با داشتن کارگر (کارفرما) یا خود به تنهایی (خویش فرما)، به استناد مجوز اشتغال صادره از سوی مراجع ذی‌صلاح یا به تشخیص سازمان تأمین اجتماعی، به کار اشتغال داشته و مشمول مقررات حمایتی خاصی نباشند.»

■ **سه پوشش بیمه‌ای برای بیمه‌های خویش‌فرما**

بر اساس مفاد «آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح بند «ب» و تبصره ۳ ماده ۴ قانون تأمین اجتماعی»، برای متقاضیان بیمه اختیاری یا خویش‌فرما، سه پوشش در نظر گرفته شده است که حسب نیاز و خواست متقاضی، امکان برقراری برخی یا همه این پوشش‌ها، وجود دارد. این سه پوشش بیمه‌ای عبارتند از: ۱- بازنشستگی؛ ۲- فوت و ۳- از کارافتادگی. طبق مقررات، بیمه شده می‌تواند با پرداخت ۱۲ درصد حداقل دستمزد تعیین شده سالانه، به عنوان حق بیمه، از مزایای بیمه بازنشستگی و فوت پس از بازنشستگی بهره‌مند شود. در این حالت، در صورت فوت بیمه شده، پس از بازنشستگی، بازماندگان او، مطابق مقررات، می‌توانند از مستمری بازماندگان استفاده کنند. اما، در صورتی که بیمه شده، قبل از بازنشستگی فوت کند، بازماندگان او مستحق دریافت مستمری بازماندگان نیستند. همچنین، بیمه شده می‌تواند با پرداخت ۱۴ درصد حداقل دستمزد تعیین شده سالانه، به عنوان حق بیمه، از مزایای بیمه بازنشستگی و فوت قبل و بعد از بازنشستگی استفاده کند. افزون بر این دو مورد، بیمه شده می‌تواند با پرداخت ۱۸ درصد حداقل دستمزد تعیین شده سالانه، به عنوان حق بیمه، از مزایای بازنشستگی، فوت و از کارافتادگی، برخوردار شود. در تمام این موارد، دولت نیز، رأساً، ۲ درصد حق بیمه را بر حق بیمه پرداختی توسط بیمه شده می‌افزاید و به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت می‌کند. شایان ذکر است، برخورداری از مزایای از کارافتادگی، برای کسانی که از بیمه اختیاری استفاده می‌کنند، منوط به دارا بودن دست کم ۱۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه است. در غیر این صورت، تنها زمانی می‌توانند از این مزایا برخوردار شوند که توسط پزشک معتمد سازمان تأمین اجتماعی، از کار افتاده کلی شناخته شوند.

■ **سقف سنی برای پذیرش درخواست بیمه اختیاری**

در صورتی که متقاضیان بیمه اختیاری فاقد سابقه پرداخت حق بیمه باشند، پذیرش درخواست آنها از سوی سازمان تأمین اجتماعی، دارای محدودیت سقف سنی است. در این حالت، سن مردان نباید از ۵۰ سال و سن زنان نباید از ۴۵ سال، بیشتر باشد. در مورد افرادی که دارای سابقه بیمه هستند، اما سقف سنی آنها بیش از حد تعیین شده است، نصف مدت سابقه به سقف سنی متقاضی افزوده خواهد شد. در صورتی که متقاضی دارای سابقه پرداخت حق بیمه بیش از ۱۰ سال باشد، سقف سنی برداشته می‌شود و متقاضی، با هر سنی، می‌تواند از بیمه اختیاری و مزایای آن استفاده کند. بیمه‌شدگان صاحبان حِرَف و مشاغل آزاد که خود را به صورت اختیاری بیمه می‌کنند، مکلفند پس از شروع بیمه، حق بیمه ماهانه را به صورت کامل و حداکثر تا آخرین روز دو ماه بعد از سر رسید، پرداخت کنند. چنانچه بین دو پرداخت حق بیمه بیمه‌شدگان اختیاری، بیش از ۳ ماه فاصله بیفتد، قرارداد بیمه اختیاری، کأن لم‌یکن تلقی می‌شود و استفاده مجدد از آن، منوط به احراز شرایطی است که پیشتر به آن اشاره کردیم. همچنین، استفاده بیمه‌شدگان اختیاری از مزایای بیمه خدمات درمانی تأمین اجتماعی، منوط به پرداخت حق بیمه مربوطه است، مگر آن که قانون گذار برای برخی از افراد و صنف‌های تحت پوشش، مزایای خاصی را پیش‌بینی کرده باشد. بر اساس مندرجات پایگاه اینترنتی سازمان تأمین اجتماعی، مشمولان بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد (خویش‌فرما) عبارتند از: «کارفرمایان کلیه کارگاه‌های فعال مشمول قانون تامین اجتماعی؛ خویش‌فرمایان فعالیت‌های مشمول قانون تأمین اجتماعی (کارفرمایانی که شخصاً به کار اشتغال دارند و فاقد کارگر می‌باشند)؛ پیمانکاران؛ روحانیون ؛ کارگزاران ستادهای نماز جمعه؛ کارگزاران دفاتر ائمه جمعه؛ کارگزاران دفاتر نمایندگان مجلس شورای اسلامی؛ مخترعین، مبتکرین و نوآوران؛ رانندگان کمپرسی و کامیون و کامیونت داخل شهری؛ بنایان و کارگران ساختمانی که به طور آزاد فعالیت دارند؛ اعضای سازمان نظام مهندسی ساختمان؛ رانندگان آژانس‌های مسافربری در صورت عدم رابطه مزدبگیری؛ مهندسین کشاورزی؛ بازرگانان دارای کارت بازرگانی؛ اعضای هیئت مدیره شرکت‌ها، به شرط عدم دریافت مزد و حقوق؛ مربیان آموزشگاه‌های تعلیم رانندگی به شرط عدم رابطه مزدبگیری؛ حق العمل کاران؛ مأمورین تلقیح مصنوعی؛ ورزشکاران؛ همسران جانبازانی که به امر پرستاری از همسر جانباز خویش اشتغال دارند؛ رانندگان ماشین آلات سنگین راهسازی از قبیل لودر ، بولدوزر ، گریدر و غیره؛ رانندگان ماشین آلات کشاورزی که به صورت حق الزحمه ای، به اموری از قبیل شخم‌زنی، خرمن کوبی، وجین کاری و غیره، اشتغال به کار دارند؛ اعضای سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران که فاقد هرگونه نظام حمایتی بیمه‌ای می‌باشند؛ معلمان و تعلیم دهندگان کلام!... مجید؛ اعضای فدراسیون سوارکاری شامل مربیان، نعلبندان، داوران، طراحان مسیر، کلانتران، مراقبین دام و رانندگان یدک کش اسب؛ مددجویان تحت پوشش معاونت اشتغال و خود کفایی کمیته امداد امام خمینی (ره)؛ مجریان طرح‌های خوداشتغالی و کارآفرینی تحت پوشش بنیاد شهید و امور ایثارگران؛ نویسندگان و پدیدآورندگان کتاب و هنرمندان؛ رانندگان تاکسی و رانندگان مینی‌بوس‌های خطوط داخل شهری.»

افزون بر این موارد، بر اساس بخشنامه مورخ ۸۷/۱/۲۴، کلیه مشاغلی که جزو مشاغل و حرف آزاد هستند، اما نام آنها در این لیست قرار ندارد هم، می‌توانند از مزایای این نوع از بیمه‌های تأمین اجتماعی استفاده کنند. درخور توجه است که استفاده از مزایای بیمه اختیاری، برای مشاغلی مانند تاکسیرانی که تحت نظارت سازمان مشخصی فعالیت می‌کنند، منوط به ارائه معرفی نامه از سازمان ناظر است.

حقوق شهروندی ۳۷

معرفی کتاب

شبکه مسائل حجاب و عفاف

مؤلف: حجت‌الاسلام ایمان کاظمی مقدم

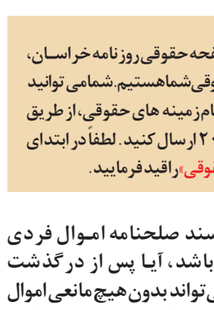

شبکه مسائل حجاب، طرحی نو برای شناسایی نیازها و مسایل در حوزه حجاب و عفاف است که حاصل تطبیق نظریه شبکه مسائل بر موضوع «حجاب و عفاف» می‌باشد. نظریه شبکه مسائل، روشی برای تبدیل موضوعات مختلف به شبکه و مجموعه‌ای از مسائل است که زمینه ساز تولید علم در آن موضوع می‌شود. از این رو، شبکه مسائل حجاب و عفاف نیز در راستای تولید علم و دانش دینی در موضوع حجاب و عفاف طراحی شده است. در همین زمینه، این کتاب به سه سوال اساسی پاسخ داده است: ۱- چه متغیرهایی درباره موضوع حجاب و عفاف وجود دارد؟ ۲- چه مسائلی درباره موضوع حجاب و عفاف وجود دارد؟ ۳- این متغیرها و مسائل چگونه شناسایی می شوند؟ در این کتاب، ابتدا چیستی، چرایی و چگونگی طراحی شبکه مسائل، مطرح و سپس با تطبیق روش شبکه مسائل بر موضوع حجاب و عفاف، شبکه مسائل مربوطه ارائه شده است. از آن جا که این کتاب بیشتر افق گشایی کرده و فقط صورت مسائل حجاب و عفاف را طرح کرده است، مخاطب آن پژوهشگران واهل تحقیق هستند. این کتاب در ۱۴۰ صفحه و به قیمت ۵ هزار تومان از سوی انتشارات موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام منتشر شده است.

مشاوره حقوقی

خوانندگان محترم! در صفحه حقوقی روزنامه خراسان، پاسخگوی پرسش‌های حقوقی شما هستیم. شما می‌توانید پرسش‌های خود را در تمام زمینه‌های حقوقی، از طریق پیامک به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ ارسال کنید. لطفاً در ابتدای متن پیامک حتماً کلمه «حقوقی» را قید فرمایید.

پرسش: در صورتی که سند صلحنامه اموال فردی به همسرش امضا شده باشد، آیا پس از درگذشت صلح‌کننده، همسر وی می‌تواند بدون هیچ مانعی اموال را به فروش بگذارد؟ آیا نیازی به گرفتن مجوز از دادگاه یا مرجع صالح دیگری نیست؟

پاسخ: در صورتی که عقد صلح به درستی واقع شده باشد، مالکیت اموال به متصالح (انتقال گیرنده، یا در اینجا همسر) منتقل می‌شود. مالک جدید می‌تواند به صلاحدید و در چارچوب قانون اموال خود را بفروشد، از آنها استفاده یا هرگونه تصرف دیگری در آنها کند. طبق ماده ۷۵۳ قانون مدنی، «برای صحت صلح، طرفین باید اهلیت معامله و تصرف در مورد صلح را داشته باشند.»

منظور از اهلیت معامله در این ماده، عاقل، بالغ و رشید بودن طرفین عقد صلح و منظور از اهلیت تصرف، اختیار تصرف در مورد صلح است که اشخاصی مانند فرد ورشکسته فاقد آن هستند. به عبارت دیگر، اگر شخصی هنگام امضای قرارداد صلح به دلیلی مثل بیماری یا مستی، از هوشیاری کافی برخوردار نبوده باشد، عقد به درستی واقع نمی‌شود و موجب انتقال مالکیت نخواهد شد. از سوی دیگر، صرف امضای شخص ظاهرا نشانه اراده واقعی وی برای انجام معامله (صلح اموال) است.

بنابراین اگر کسی ادعا کند که عقد صلح به درستی انجام نشده و مثلا امضا کننده هوشیاری کافی نداشته است، باید این ادعا را با ارایه دلایل محکمه پسند نزد دادگاه صالح اثبات کند. ورثه متوفی برای اجرای تعهدات قرارداد (از جمله برای تحویل ملک یا تنظیم سند رسمی انتقال) جانشین یا به اصطلاح «قائم مقام» مصالح (انتقال دهنده) محسوب می‌شوند.

بنابراین اگر مالکیت اموال به صورت رسمی به متصالح (انتقال گیرنده) منتقل نشده، یعنی اگر هنوز سند رسمی به نام وی تنظیم نشده است، می‌تواند با ارسال اظهارنامه‌ای از وارثان دعوت کند تا به عنوان قائم مقام مصالح با حضور در دفتر اسناد رسمی نسبت به انتقال سند ملک به نام متصالح اقدام کنند. در صورت خودداری آنها از تنظیم سند رسمی انتقال، می‌توان به دادگاه حقوقی محل وقوع ملک مراجعه و علیه وارثان مصالح، دادخواستی به خواسته «الزام به تنظیم سند رسمی» تقدیم کرد.

پرسش: آیا پس از فوت مادرمان، می‌توانیم مهریه او را به عنوان ارث از پدرمان مطالبه کنیم؟

پاسخ: بله، در صورت فوت مادر، هر یک از وارثان می‌تواند به نسبت سهم الارث خود مهریه مادر را از پدر مطالبه کند. به محض وقوع عقد ازدواج، زن مالک مهریه می‌شود. (ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی) مهریه، دین و طلبی است که پس از عقد تا زمان پرداخت آن مانند سایر دیون مالی بر عهده شوهر است. مطالبات مالی هر فرد با فوت او به ورثه اش به ارث می‌رسد.

پس از فوت زن مهریه نیز مانند سایر حقوق و مطالبات مالی وی، به وارثان زن به ارث خواهد رسید. به عبارت دیگر، در صورتی که طلبکار (مادر شما) فوت کند، ورثه اش می‌توانند مهریه را از شوهر (بدهکار) مطالبه کنند و در صورتی که بدهکار (پدر شما) نیز فوت کند، بدهی پدر (مهریه) باید از اموال باقی مانده از او (ماترک او) به طلبکار (زن) یا ورثه طلبکار پرداخت شود.

بنابراین با فوت مادرتان هر یک از ورثه او می‌تواند به نسبت سهم الارث خود، مهریه پرداخت نشده را از پدرتان مطالبه کند. اگر پدر نیز فوت کرده باشد، مهریه از ماترک پدر پرداخت می‌شود.

اگر پس از پرداخت مهریه و سایر دیون و واجبات مالی، چیزی باقی بماند، باقی مانده بین ورثه پدرتان تقسیم خواهد شد. ماده ۸۶۸ قانون مدنی بیان می‌کند: «مالکیت ورثه نسبت به ترکه متوفی مستقر نمی‌شود مگر پس از ادای حقوق و دیونی که به ترکه میت تعلق گرفته [است].»

گزارش حقوقی

نحوه محاسبه خسارت تاخیر تادیه در اسناد مالی

خسارت تاخیر در تادیه که مورد تایید شرع و قانون قرار گرفته، متفاوت از ربا یا بهره است و در واقع، خسارتی است که در نتیجه کاهش ارزش پول در طول زمان، به ذی‌حق تعلق می‌گیرد. به گزارش خبرگزاری میزان، ارزش پول در حال کاهش است و طلبکاران هم مایلند هرچه سریع‌تر به طلب خودشان برسند تا از ارزش پولشان کاسته نشود. برای همین، قانونگذار با پیش‌بینی خسارت تاخیر تأدیه در قانون، بدهکاران را ملزم کرده است تا بدهی خود را در سررسید آن پرداخت کنند، وگرنه باید علاوه بر پرداخت اصل بدهی، خسارت ناشی از تاخیر در پرداخت بدهی و افت ارزش پول را هم بر اساس فرمول قانونی بپردازند.

خسارت تاخیر در تادیه که مورد تایید شرع و قانون قرار گرفته، متفاوت از ربا یا بهره است و در واقع خسارتی است که در نتیجه کاهش ارزش پول در طول زمان، به ذی‌حق تعلق می‌گیرد. در همین زمینه، محمدعلی اسفنانی، عضو کمیسیون قضایی ادوار هشتم و نهم مجلس و دادیار فعلی دیوان عالی کشور به تشریح شرایط اخذ خسارت تاخیر تادیه در قوانین و مقررات جاری پرداخته است. محمدعلی اسفنانی در باره خسارت تاخیر تادیه اظهار کرد: هر کس تعهد به امری کند و آن را به موقع انجام ندهد، چنانچه در نتیجه این تأخیر، متعهدله متضرر شود، متعهد باید خسارت ناشی از تأخیر را جبران کند؛ البته این تعهد باید مربوط به وجه رایج باشد و اصطلاح «خسارت تأخیر تأدیه» هم در قوانین پیش از انقلاب اسلامی و هم در قوانین بعد از آن مورد تاکید قانونگذار بوده است. اسفنانی همچنین به موضوع پیش‌بینی خسارت در قانون صدور چک اشاره کرد و افزود: همچنین در این زمینه مواردی در قانون چک نیز مطرح شده است به این شکل که هرگاه قبل از صدور حکم قطعی، شاکی گذشت کند یا متهم وجه چک و خسارت تاخیر تادیه را نقدا به دارنده آن پرداخت کند، یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارت مذکور (از تاریخ ارائه چک به بانک) را فراهم کند یا در صندوق دادگستری یا اجرای ثبت تودیع کند، مرجع رسیدگی قرار موقوفی صادر خواهد کرد. صدور قرار موقوفی تعقیب در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که دادگاه نسبت به سایر خسارت‌های مورد مطالبه رسیدگی و حکم صادر کند. این حقوقدان بیان کرد: هرگاه پس از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند یا محکوم‌علیه موجبات پرداخت وجه چک و خسارات تاخیر تادیه و سایر خسارت مندرج در حکم را فراهم کند، اجرای حکم موقوف می‌شود و محکوم علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد. اسفنانی افزود: باید بگویم که در این زمینه نیز طبق قانون الحاق یک تبصره به ماده (۲) قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی، دارنده چک می‌تواند محکومیت صادر کننده را نسبت به پرداخت تمامی خسارات و هزینه‌های وارد شده که مستقیما و به طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است، اعم از آنکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تقاضا کند. در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه‌ها را پس از صدور حکم درخواست کند، باید درخواست خود را به همان دادگاه صادر کننده حکم، تقدیم کند.

■ **نرخ تورم، مبنای محاسبه خسارت تاخیر تادیه**

این حقوقدان اظهار کرد: همچنین مطابق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، اگر طلبکار دین خود را مطالبه کند و بدهکار با داشتن تمکّن، از پرداخت آن امتناع ورزد، در صورتی که نرخ تورم فاحش باشد، طلبکار می‌تواند به اندازه نرخ تورم، خسارت تأخیر تأدیه دریافت کند. وی ادامه داد: مطابق مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۰ خرداد ۷۶، دارندگان چک می‌توانند از تاریخ سررسید چک تا زمان وصول، بر مبنای نرخ تورم که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود، خسارت تأخیر تأدیه دریافت کنند و این مصوبه در آخرین اصلاحیه قانون چک مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت. اسفنانی در باره خسارت تاخیر تادیه در زمینه برات نیز افزود: مطابق ماده ۳۰۴ قانون تجارت، خسارت تاخیر تادیه مبلغ اصلی برات که به واسطه عدم تادیه، به آن اعتراض شده است، از روز اعتراض و خسارت تاخیر تادیه مخارج اعتراض و مخارج برات رجوعی فقط از روز اقامه دعوی محاسبه می‌شود. وی در ادامه در پاسخ به پرسشی درباره مبنای شروع محاسبه خسارت تاخیر تادیه، اظهار کرد: زمان محاسبه خسارت تأخیر تأدیه، سررسید دین یا طلب است. چنانچه در مطالبات مستند به سند اعم از عادی و رسمی تاریخ سررسید دین مشخص شده باشد و با وجود رسیدن اجل، مدیون از پرداخت دین خود استنکاف ورزد، در صورت درخواست خواهان، محکمه علاوه بر پرداخت اصل دین، مدیون را به پرداخت خسارت تاخیر تأدیه از زمان سررسید تا روز پرداخت نیز محکوم خواهد کرد. بنابراین در تعهدات پولی چنانچه مدتی از ثبوت دین بگذرد، مدیون باید در هنگام تادیه بدهی، خسارت تاخیر تادیه را نیز از هنگام مدیونیت خود تا روز پرداخت به خواهان بپردازد.